

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م / ۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن

سلمان قاسمیان^۱

مصطفی ملایی^۲

مقدمه

در سال ۱۲۸۰ش / ۱۹۰۱م میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم وقت مظفرالدین شاه، از طرف دولت ایران امتیاز انحصاری اکتشاف، استخراج، حمل و نقل، پالایش و صدور نفت در تمام نواحی ایران به استثنای آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان را به ویلیام ناکس داری، سرمایه‌دار یهودی‌الاصیل استرالیایی تبعه انگلیس به مدت شصت سال واگذار نمود. این امتیاز در قبال ۲۰ هزار لیره نقد، ۲۰ هزار لیره سهام از تشکیل اولین شرکت و صدی ۱۶ از عایدات خالص تمام شرکت‌های استفاده‌کننده از نفت، پس از شروع به بهره‌برداری از بابت حق‌الامتیاز بود.^۳

پس از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ش و شکل‌گیری اندیشه‌های ضد استعماری، مخالفت با امتیازات بیگانگان در ایران قوت گرفت و در همین زمان، مخالفت‌ها با امتیاز داری آغاز شد. نخستین بار نمایندگان مجلس در جلسه ۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ق / ۱۲دی ماه ۱۲۸۴ش وزیر معادن وقت را به مجلس احضار نموده، از وی خواستند توضیحاتی راجع به قرارداد ارائه دهد.^۴

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان

۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه تهران

۳. کتاب سفید(تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران)، تهران، شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴، ص ۴-۲؛

همچنین ر.ک: اسناد نفت، بی‌جا، انتشارات پویان، ۱۳۳۰، ص ۹-۵

۴. مذاکرات دوره اول مجلس شورای ملی، ۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۴، ص ۱۸۵؛ فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران،

تهران، کاوش، ۱۳۳۴، ص ۲۷۲-۲۶۸

در جریان جنگ جهانی اول، افزایش اهمیت نقش نفت در تأمین سوخت کشتی‌های جنگی، وزارت درياداری انگلیس اقدام به خریداری سهام شرکت نفت ایران و انگلیس نمود؛ به این ترتیب سهام‌دار اصلی شرکت، دولت انگلیس شد. پس از جنگ جهانی، دولت ایران همواره ناراضیتی خود را از سیاست‌های شرکت نفت ایران و انگلیس و نادیده گرفتن سهم واقعی ایران از درآمدهای نفتی ابراز می‌داشت. شرکت نفت با افزایش تولید نفت در جریان جنگ جهانی اول و توسعه شرکت‌های وابسته بازاریابی و پالایش، منافع حاصله از این شرکت‌های فرعی را با این توجیه که خارج از خاک ایران فعالیت دارند، در منافع کلی شرکت که بر اساس ماده ۱۰ امتیازنامه ۱۶ درصد از آن سهم ایران می‌شد، منظور نداشت؛ در صورتی که دولت ایران خود را در سود کل شرکت مادر و دیگر شرکت‌های فرعی سهیم می‌دانست. علاوه بر این، شرکت در سال ۱۹۱۹ش نیز از پرداخت سهم ایران امتناع ورزید و بر شدت مسئله افزود. علت امتناع شرکت از پرداخت سهم ایران از عواید نفت، صدماتی بود که ایلات محلی بر تأسیسات شرکت وارد آورده بودند و شرکت، دولت ایران را مسئول می‌دانست.^۱

اختلافات بین کمپانی نفت و دولت ایران، منجر به مذاکراتی بین طرفین و انعقاد قرارداد دیگری موسوم به قرارداد ۱۹۲۰ (۱۲۹۹) آرمیتاژ اسمیت مستشار مالی دولت ایران و مورد اعتماد مقامات انگلیس شد. این قرارداد تأکید می‌کرد که دولت ایران حق دارد ۱۶ درصد سود تمام عملیاتی را که مستقیماً با نفت ایران ارتباط پیدا می‌کند، مطالبه نماید و ادعاهای انگلیس در مورد غرامت مسکوت گذاشته شد.^۲ این قرارداد نتوانست مشکل را به طور اساسی برطرف کند و اختلافات از سال ۱۳۰۵ش به دلیل کاهش روزافزون حق‌السهم دولت ایران و افزایش درآمد شرکت و سهام بریتانیا، مجدداً از سر گرفته شد. مذاکرات به مدت چهار سال از ۱۳۰۷/۱۹۲۹م تا ۱۳۱۲/۱۹۳۲م بین تیمورتاش وزیر دربار و نماینده تام‌الاختیار ایران و سرجان کدمن، مدیر عامل شرکت نفت ایران و انگلیس در تهران و لندن انجام شد. در مدت مذاکرات توافق‌های بین طرفین نسبت به تنظیم قرارداد جدیدی صورت گرفت که عبارت بودند از تمدید مدت امتیاز که تا سال ۱۹۶۱ م معتبر بود، سهیم کردن ایران در کل سهم شرکت به جای حق‌السهم سابق و واگذاری بیست درصد از سهام شرکت به دولت ایران. این مذاکرات به علت اختلاف طرفین در حق‌السهم و میزان سهام ایران در کل تشکیلات شرکت نفت به شکست انجامید، چرا که تیمورتاش پافشاری می‌کرد که ۲۵ درصد از کل سهام شرکت باید در اختیار ایران قرار گیرد.^۳

۱. فاتح، همان، ص ۲۷۵-۲۷۲؛ همچنین ر.ک: فرمانفرمایان، منوچهر، خون و نفت، خاطرات یک شاهزاده ایرانی، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰ و موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۳، ص ۶۳-۶۲؛ بر اساس ماده ۱۴ امتیاز داری، دولت ایران متعهد می‌شد که «اقدامات لازمه در حفظ امنیت و اجرای مقاصد این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکوره» را به عمل آورد، ولی به علت ضعف دولت مرکزی، شرکت نفت وادار شد که خود با استفاده از عناصر محلی ترتیباتی در این خصوص اتخاذ کند. فاتح، همان، ص ۲۷۴

۲. فرمانفرمایان، همان، ص ۱۲۱

۳. صعود و سقوط تیمورتاش (به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس)، با مقدمه جواد

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن/ سلمان قاسمیان- مصطفی ملایی

با وخیم شدن روابط و بی نتیجه ماندن مذاکرات، رضاشاه در آبان ۱۳۰۷/ نوامبر ۱۹۲۸، در دیدار از تأسیسات شرکت نفت، در پیامی خطاب به هیأت مدیره شرکت در لندن، لغو امتیاز داری و تنظیم امتیاز جدیدی که منافع ایران را تأمین کند، خواستار شد.^۱ با توجه به این مباحث در ادامه به مقدمات، زمینه‌ها و نحوه تنظیم قرارداد ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. خواهیم پرداخت.

مقدمات و زمینه‌های تنظیم قرارداد ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش

در ۸ دی ۱۳۰۷/ ۲۹ دسامبر ۱۹۲۸ کلايو، وزیر مختار بریتانیا در تهران به حضور شاه رسید. شاه در این دیدار، خواستار تجدید نظر در امتیاز داری و انطباق آن با شرایط جدید با رعایت منافع طرفین شد.^۲ به دنبال این پیام رضاشاه، کدمن در مارس ۱۹۲۹/ اسفند ۱۳۰۷ برای گفت و گو در مورد طرح اولیه، امتیاز جدید به تهران آمد. موارد توافق بین تیمور تاش و کدمن عبارت بود از تمدید مدت امتیاز تا سال ۱۹۸۹، واگذاری بیست درصد از سهام شرکت به ایران، تجدید حوزه عملیات کشور، پرداخت دوشیلگ حق الامتیاز شرکت به ایران، کاهش مساحت حوزه استخراج نفت، فسخ امتیاز انحصاری لوله کشی به خلیج فارس. اما با اصرار تیمورتاش بر واگذاری ۲۵ درصد سهام شرکت به ایران، پرداخت حق الامتیاز مقرر به ایران و امتناع کدمن از پذیرش شرایط، مذاکرات بدون نتیجه خاتمه یافت.^۳ پس از بی نتیجه ماندن گفتگوها، کدمن رهسپار آمریکا شد و تا سال ۱۳۱۰ش هیچ گونه گفت و گویی میان طرفین صورت نگرفت. دور جدید گفت و گوهایی کدمن و تیمورتاش در سال ۱۳۱۰ش پس از رد و بدل شدن نامه‌هایی میان طرفین و ارائه پیشنهادهایی آغاز شد. این گفت و گوها که در مسافرت تیمورتاش به اروپا صورت گرفت، منجر به تنظیم طرح مقدماتی در باب حق الامتیاز مورد توافق شد که برای امضا و تصویب به تهران ارسال شد.^۴ متن این طرح (پیش نویس) رسماً افشا نشده است، اما ظاهراً اصول آن از اوایل سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸/ ۱۹۲۸ تا ۱۹۲۹ بین تیمورتاش و کدمن بحث و گفتگو شده بود.^۵

هنگامی که شرکت، ترازنامه سالیانه‌اش را در خرداد ۱۳۱۱ش/ ۱۹۳۳ ژوئن منتشر نمود، معلوم شد که حق امتیاز دولت ایران نسبت به سال‌های گذشته، به میزان فاحشی تقلیل یافته است. عایدات ایران در مقایسه به ۳۱۲، ۲۸۸، ۱، لیره و...، ۴۳۷ و ۱ لیره سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ه.ش به ۸۷۲ و ۳۰۶ لیره تجاوز

شیخ الاسلامی، تهران، توس، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۱۵۷؛ همچنین ر.ک: فاتح، همان، ص ۲۸۷

۱. فاتح، همان، ص ۲۸۶

۲. کلايو، (تهران) به چمبرلن، ۲۹ دسامبر ۱۹۲۸/ ۸ دی ۱۳۰۶، به نقل از: زرگر، علی اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، انتشارات پروین و معین، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۲۹۰

۳. فاتح، همان، ص ۲۸۸-۲۸۷؛ همچنین ر.ک: مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، ص ۲۵۵-۲۵۳

۴. فاتح، همان، ص ۲۹۰، همچنین ر.ک: شیخ الاسلامی، صعود و سقوط تیمورتاش (به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس)، ص ۱۷۹

۵. ساتن، الول، نفت ایران، ترجمه دکتر رضا رئیس توسی، تهران، صابری، ۱۳۷۲، ص ۸۵-۸۴

نمی‌کرد. ^۱ شرکت نفت جنوب علت تقلیل عایدات را تنزیل قیمت نفت در دنیا و رقابت نفت روسیه با نفت جنوب معرفی کرد. ^۲ به محض اینکه خبر کاهش حق امتیاز ایران به تهران رسید، دولت ایران از تصویب قراردادی که تنظیم شده بود، خودداری کرد و از شرکت نفت خواست که نماینده‌ای برای توضیحات به تهران بفرستد، ولی شرکت از این کار ابا نمود. ^۳ شاه در اقدامی دیگر، تیمورتاش را عزل کرده، مذاکرات نفت را به تقی زاده، وزیر دارایی سپرد. انتشار ترازنامه و عدم پاسخگویی شرکت به اعتراض ایران، موجب شد که در مجلس و جراید کشور، حملات گسترده‌ای ضد شرکت نفت جریان بگیرد. روز ۲۸ تیرماه ۱۳۱۱ش، روحی نماینده کرمان و ^۴مرداد، علی دشتی درباره عدم پرداخت عادلانه حق الامتیاز ایران از طرف شرکت نفت، وزرای خارجه و دارایی را مورد سؤال قرار دادند. وزیر خارجه در جواب گفت: «این موضوع از طرف دولت تعقیب شده، کاملاً هم مورد توجه دولت است و اگر غفلتی شده، مربوط به اشتباه گذشتگان است.» ^۴ در جلسه ۴ مرداد مجلس شورای ملی تقی زاده در پاسخ سؤال علی دشتی از نمایندگان مجلس درباره علت کاهش حق الامتیاز ایران ضمن اظهار نگرانی عدم رضایت دولت از ترتیب محاسبه حق الامتیاز ایران و تنزیل فاحش آن گفت: «دولت از قبول این مبلغ که به عنوان حق الامتیاز به او عرضه شد، امتناع نمود که خود را از مضرات این تقسیم منافع محفوظ دارد. چون دولت از هرگونه مساعدت نسبت به پیشرفت کار امتیاز نفت در جنوب مضایقه ننموده، لهذا انتظار دارد که با مذاکره با خود کمپانی به طور دوستانه، ترتیبی رضایت‌بخش برای اصلاحات منظور داده شود و مجلس شورای ملی می‌تواند مطمئن باشد که دولت در حفظ منافع مملکت در این زمینه فروگذاری نخواهد نمود. بدیهی است که هرگاه مذاکرات با کمپانی به نتیجه مطلوب نرسد، دولت ناچار خواهد بود برای حل مشکلات، به طریق دیگری برای احقاق حقوق خود توسل جوید.» ^۵ از طرف جراید کشور نیز حملات گسترده‌ای ضد شرکت نفت صورت گرفت. ^۶

علاوه بر نارضایتی و کلا و جراید از وضعیت پیش آمده به وسیله شرکت، شاه نیز برآشفته و تقی زاده را که به لحاظ اداری مسئولیت مستقیم داشت، مورد بازخواست قرار داد. تقی زاده درباره مؤاخذه شاه نسبت به خود می‌نویسد: «روزی رضاشاه مرا خواست و به من گفت: این انگلیسی‌ها و شرکت نفت، خیلی سر من کلاه گذاشته‌اند. نفت را خودشان استخراج می‌کنند، خودشان تصفیه می‌کنند و خودشان می‌فروشند و ما هیچ چیز آن اطلاعی نداریم. آخر سال هم یک صورت حساب ساختگی به ما می‌دهند و تو و کمیسر

۱. لسانی، ابوالفضل، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۱۴۳-۱۴۲؛ همچنین ر.ک: شیخ الاسلامی، جواد، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۶۹، ص ۲۰۴
۲. گروه جامی، گذشته چراغ راه آینده است، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۱، چاپ سوم، ص ۳۶
۳. همان، ص ۳۷؛ همچنین ر.ک: فاتح، همان، ص ۲۹۱
۴. مذاکرات دوره هشتم مجلس شورای ملی، ۲۸ تیر ۱۳۱۱؛ همچنین ر.ک: فاتح، همان، ص ۲۹۲
۵. مذاکرات دوره هشتم مجلس شورای ملی، جلسه ۹۷، ۴ مرداد ۱۳۱۱، ص ۴-۲
۶. روزنامه اطلاعات، ص ۷، ش ۱۶۴۱، ۱۶ تیر ۱۳۱۱

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن/ سلمان قاسمیان- مصطفی ملایی

ما در لندن (عیس فیض) می‌گویید درست است.^۱ رضاشاه ۵ آذر ۱۳۱۱/۲۶ نوامبر ۱۹۳۲ به هیئت دولت، دستور تشکیل جلسه داد. در این جلسه که به ریاست نخست وزیر، مهدی قلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه) تشکیل شد، شاه وزرایش را به دلیل ناتوانی در متقاعد کردن شرکت در تنظیم قراردادی با حفظ منافع ایران سرزنش نمود.

مخبر السلطنه هدایت در توصیف جلسه هیئت وزرا با حضور شاه می‌نویسد: «شاه دوسیه نفت را خواسته است. شب ششم آذر تیمور تاش دوسیه را به هیئت آورد. شاه تشریف آوردند و متغیرانه فرمودند دوسیه نفت چه شد؟ گفته شد حاضر است. زمستان است، بخاری می‌سوزد. دوسیه را برداشتنند انداختند توی بخاری و فرمودند نمی‌روید تا امتیاز نفت را لغو کنید، نشستیم و امتیاز را لغو کردیم.^۲» تقی‌زاده حوادث آن جلسه را صحنه سازی قبلی شاه بیان می‌کند که از پیش به طور محرمانه فروغی را از جریان حوادث آگاه کرده بود و به وی گفته بود امروز در جلسه هیئت دولت، یک تشددی به تمام وزرا می‌کنم و به خود تو هم بد خواهم گفت، ولی آن را به دل نگیر. سپس از فروغی خواسته بود تقی‌زاده از تصمیم گرفته شده آگاه نشود.^۳ تقی‌زاده دلیل این کار رضاشاه در لغو امتیازنامه داری را تمایل شاه به ترساندن انگلیسی‌ها بیان می‌کند و اینکه به آنها بفهماند که دیگر مأمور آنها نیست.^۴ اما تقی‌زاده داستان سوزاندن پرونده نفت را در خاطرات خود، دوگونه نقل کرده است. یک بار می‌گوید: «رضاشاه پرونده نفت را در بخاری انداخت و سوزاند و پیش از ترک جلسه با تشدد به هیئت دولت گفت که امشب نمی‌روید، مگر اینکه فسخ قرارداد را اعلام کنید.^۵» بار دیگر نیز اظهار داشته که شاه یک مشت کاغذ را توی بخاری دیواری انداخته بود و رفت. همه خیال کردند که پرونده نفت را آتش زده است، در صورتی که آنچه در بخاری انداخته بود، جز چند نامه متبادله بین شرکت نفت و وزارت مالیه، چیز دیگری نبود که البته رونوشت آنها را داشتیم.^۶ این گونه تناقض‌گویی‌های تقی‌زاده در قضیه نفت، موجب برانگیختن اتهاماتی نسبت به وی، مبنی بر مشارکت مستقیم در تمدید مدت قرارداد نفت شده است.

تقی‌زاده پس از فسخ امتیازنامه، در نامه‌ای که قرار بود برای شرکت نفت ارسال دارند، مطلب دیگری مبنی بر آمادگی دولت ایران برای واگذاری امتیاز جدیدی را اعلام نمودند. وی دلیل اعلام آمادگی در

۱. مسئله نفت و تقی‌زاده و رضاشاه، روزگار نو، اردیبهشت ۱۳۷۱، ص ۸۴ به نقل از: تقی‌زاده، سید حسن، رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، تهران، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، چاپ اول، مقدمه کتاب، ص ۱۸

۲. مخبر السلطنه، خاطرات و خطرات، ص ۳۹۵؛ همچنین ر.ک: هوثر (سفیر بریتانیا در ایران) به جان سایمون، ۱۹ دسامبر ۱۹۳۲، ۲۸ آذر ۱۳۱۱، به نقل از، زرگر، همان، ص ۲۹۹

۳. تقی‌زاده، سید حسن، زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی‌زاده)، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۸، چاپ اول، ص ۲۳۱

۴. مسئله نفت و تقی‌زاده و رضا شاه، همان، ص ۸۴

۵. تقی‌زاده، زندگی طوفانی، ص ۲۲۵

۶. مسئله نفت تقی‌زاده و رضا شاه، همان، ص ۸۵

مذاکرات به منظور واگذاری امتیاز راه، این چنین بیان می‌کنند: «من این فسخ امتیازنامه را که نوشته بودم، شنیدم در خارج گفته بودند می‌خواهند از انگلیس بگیرند به روس بدهند. برای دفع این شبهه‌ها در آخر آن مراسله که برای فسخ امتیاز نامه نوشتیم، نوشتیم چون عمل کمپانی برخلاف منافع ایران است، اگر همین کمپانی مطابق منافع ایران حاضر شود که امتیاز تازه بدهیم که می‌دهیم و مضایقه از این نداریم که به خود آنها امتیازی بدهیم.» و در نهایت این فسخ نامه به تأیید شاه رسید.^۱ جکسن در تلگرافی به سرجان کدمن، ضمن بیان استبداد رضاشاه در صدور دستورات و اوامر شاهانه و ترس وزرا از اظهار نظر در مقابل وی، از جرئت و جسارت تقی‌زاده در ارائه پیشنهاد مذاکره به عنوان راه مسالمت‌آمیز حل قضیه، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «از لحظه‌ای که شاه تصمیم به الغای امتیاز نفت گرفتند و دستور اجرای آن را صادر کردند، هیچ یک از وزرا جرئت نداشت عقیده‌ای برخلاف نظر ملوکانه ابراز کند میان وزرا باز تقی زاده جرئت پیدا کرده که شاه را متوجه عواقب سو این تصمیم ناگهانی سازد و از ایشان اجازه بگیرد که لااقل یک پاراگراف مبنی بر آمادگی برای مذاکره به منظور حل مسالمت آمیز قضیه بیان داشته‌اند.»^۲

الغاء امتیاز دارسی از سوی دولت، مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. علاوه بر برگزاری جشن‌های متعدد در شهرستان‌ها، تلگراف‌هایی در تبریک این عمل شاه به دولت مخابره شد.^۳ اما این جشن و سرورها را نیز ظاهرسازی حکومت دیکتاتوری رضاشاه برای نشان دادن حس وطن دوستانه و توجیه اعمال بعدی خود در جریان مذاکرات نفت بیان می‌کنند، به طوری که گفته می‌شد دستگاه زور و قلدری رضا شاه، مردم را وادار ساخت که جهت سپاس‌گزاری از استیفای حقوق ملی به دست توانای اعلی حضرت همایونی، کوچه و بازار را چراغانی کنند، نمایش ترتیب دهند و شادمانی‌ها نموده، مراتب شکرگزاری خود را از زحمات مطبوعات منعکس سازند.^۴

تقی‌زاده نیز درباره ظاهرسازی رضاشاه در برپا داشتن جشن و شادمانی برای توجیه عمل خود در لغو امتیاز، همین‌طور قاطعیت و اقتدار او برای به اجرا درآوردن خواسته‌هایش می‌نویسد: «رضاشاه هر چه در قوه داشت، به کار برد تا عمل الغاء نفت را خواسته ملت نشان بدهد. به دستور او، شهرهای کشور را چراغانی کردند. سیل تلگراف‌ها از شهرستان‌ها به تهران سرازیر شد که این کمپانی خون ما را مکیده است، ریشه اینها را بکنید. هر وقت او چیزی می‌خواست، در و دیوار به صدا در می‌آمد که آن کار را انجام شود.»^۵

۱. تقی‌زاده، زندگانی طوفانی، ص ۲۲۶-۲۲۵؛ مجلس نیز اقدام دولت ایران در لغو امتیاز نفت را به تصویب رساند. مذاکرات دوره هشتم مجلس شورای ملی، جلسه ۱۱۷، ۱۰ آذر ۱۳۱۱، همچنین ر.ک: روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۲، ۱۷۷۱ آذر ۱۳۱۱

۲. شیخ‌الاسلامی، صعود و سقوط تیمورتاش (به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس)، ص ۲۲۱

۳. روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۷، ۱۷۶۷، آذر ۱۳۱۱

۴. گروه جامی، همان، ص ۳۸

۵. تقی‌زاده، زندگانی طوفانی، ص ۲۳۷؛ همچنین ر.ک: شیخ‌الاسلامی، جواد، «قضیه تمدید امتیاز نفت جنوب»، مجله آینده، س ۱۴، ش ۲-۱، فروردین - اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۵-۱۴

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن/ سلمان قاسمیان- مصطفی ملایی

روز ۶ آذر تقی‌زاده وزیر مالیه، مکتوب وزارت دربار مبنی بر لغو امتیاز داری را به اطلاع جکسون، نماینده شرکت در تهران رسانید. در عین حال، دولت ایران آمادگی خود را برای اعطای امتیاز جدیدی بر اساس عدالت و انصاف اعلام نمود.^۱ کمپانی نفت در پاسخ به وزارت مالیه، الغای امتیاز را ادعایی بی‌اساس خواند و از دولت ایران خواست آن را مسترد دارد.^۲ وزیر مختار انگلیس در تهران در یادداشت اعتراض به دولت ایران در ۱۷ آذر ۱۳۱۱/۸ دسامبر ۱۹۳۱ الغای یک طرفه را یک نقض غیر قابل قبول شرایط قرارداد خواند و تهدید کرد در صورتی که دولت ایران، اعلامیه خود دایر بر الغای امتیاز را ظرف مدت یک هفته بر نگرداند، دولت انگلیس به دیوان داوری بین‌المللی لاهه مراجعه می‌کند. در پایان آمده بود که دولت بریتانیا خود را محق می‌داند هرگونه اقدامی بر حفظ کمپانی انجام دهد.^۳ این تهدید بریتانیا با مانور دریایی انگلیس در خلیج فارس و سواحل ایران همراه بود.^۴ اما خطر مداخله شوروی بر طبق ماده ششم معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی، مانع از اقدام بریتانیا شد.^۵

در رابطه با تهدید بریتانیا مبنی بر ارجاع مسئله به دیوان داوری بین‌المللی لاهه، دولت ایران، صلاحیت دیوان مزبور در مورد رسیدگی به اختلاف میان شرکت و دولت ایران را رد کرد، زیرا که اختلاف بین ایران و کمپانی نفت، اختلاف بین دو دولت نبود؛ بنابراین دولت بریتانیا موضوع را به شورای جامعه ملل کشاند. دولت ایران هیئتی مرکب از داور وزیر دادگستری، حسین علاء رئیس بانک ملی و نصرالله انتظام عازم ژنو کرد.^۶ سرچان سیمون وزیر خارجه بریتانیا نیز به نمایندگی بریتانیا در شورای جامعه ملل حاضر شد. دو طرف دعاوی خود را در پیشگاه جامعه ملل مطرح کردند. شورای جامعه ملل پس از شنیدن دعاوی طرفین، ادامه مذاکرات را به ادوارد بنش، وزیر خارجه چلسواکی به عنوان میانجی واگذار کرد. وی مدعیان را به گفتگو دعوت کرد و بدین ترتیب گفتگوها در تهران ادامه یافت.^۸

۱. روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۷۶۸، ۸ آذر ۱۳۱۱؛ همچنین ر.ک: نفت در دوره رضا شاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیاز نامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، تهیه و تنظیم اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، زیر نظر یعقوب آژند و دیگران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، ص ۳۴۹
۲. روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۷۷۱، ۱۲ آذر ۱۳۱۱، همچنین ر.ک: مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲ش، کارت ۲۶، پرونده ۴۶/۱، ص ۱۶
۳. نفت در دوره رضا شاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیاز نامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، ص ۳۸۰-۳۷۸؛ همچنین ر.ک: روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۷۸۱، ۲۳ آذر ۱۳۱۱
۴. لنچافسکی. جرج، نفت و دولت در خاورمیانه، مترجم علینقی عالیخانی، تهران، اقبال، ۱۳۴۲، ص ۱۰۳
۵. زرگر، همان، ص ۳۰۵
۶. اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲ش، کارت ۲۶، پرونده ۴۶/۱، ص ۱۸ (سند شماره ۴)؛ همچنین ر.ک: زرگر، همان، ص ۳۰۶؛ همچنین ر.ک: روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۸۰۳، ۱۹ دی ۱۳۱۱
۷. تقی‌زاده می‌نویسد شاه قصد داشت ابتدا وی را به نمایندگی ایران به ژنو عازم نماید، اما بعد نظرش عوض می‌شود؛ تقی‌زاده، زندگی طوفانی، ص ۲۳۷
۸. اطلاعات بیشتر در باره سخنان نمایندگان در جامعه ملل رجوع کنید روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۷۸۶، ۲۹ آذر ۱۳۱۱؛ روزنامه اطلاعات، س ۷، ش ۱۸۲۸، ۲۲ بهمن ۱۳۱۱، شفق سرخ، س ۱۱، ش ۱۸، ۲۲۷۷، ۲۲ بهمن ۱۳۱۱؛ شفق

قرارداد ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش و نقش رضاشاه در تنظیم آن

پس از آنکه شورای جامعه ملل، مذاکرات اختلاف میان شرکت نفت و دولت ایران را به ادوارد بنش، وزیر خارجه چلسواکی به عنوان میانجی واگذار کرد و او نیز مدعیان را به گفتگو دعوت کرد. بلافاصله هیئتی از طرف شرکت مرکب از لرد کدمن رئیس هیئت مدیره شرکت نفت، ویلیام فریزر معاون او، جاکس عضو هیئت مدیره و مقیم تهران همراه چند نفر از اعضای عالی‌رتبه شرکت، وارد تهران شدند. تقی‌زاده از داور و علاء خواست قبل از ورود نمایندگان کمپانی، متخصصین لایق و قابل اعتماد برای مشاوره در طرح امتیاز نامه جدید استخدام نمایند.^۱ هیئت نمایندگی شرکت نفت، تحت ریاست سرجان کدمن ۱۴ فروردین ۱۳۱۲/۳ آوریل ۱۹۳۳ وارد تهران شدند و مذاکراتی را که منجر به عقد قرارداد ۱۹۳۳ گردید، در تهران آغاز شد.

یک هیئت چهار نفری از طرف شاه، مأمور مذاکره با آنان شد. ریاست این هیئت را فروغی، وزیر خارجه بر عهده داشت و سه عضو دیگر عبارت بودند از: تقی زاده، داور (وزیر دادگستری) و حسین علاء (رئیس بانک ملی).^۲ تقی زاده موافقت کرد که مذاکرات مقدماتی میان خوسد وی و مستر فریزر صورت گیرد. چند روز اول مذاکرات دولت ایران خواسته‌های خود را بیان نمود. اما شرکت نفت هیچ کدام از آن پیشنهادها را نتوانست بپذیرد و مذاکرات با شکست مواجه شد.^۳ تقی‌زاده درباره جریان مذاکرات با فریزر در تهران، می‌نویسد: «آخر تقریباً در بعضی مطالب نزدیک شدیم. داور به رضاشاه گفته بود که فلانی (من) خیلی خودکشی کرده است. مذاکرات آخرش به یک جایی رسید که در اغلب شرایط ما نزدیک شدیم. موافقت حاصل کردیم، ولی در میزان آنچه باید بدهند به ایران، حداقل آنها هفتصد و پنجاه هزار لیره می‌گفتند و ما می‌گفتیم یک میلیون و دویست لیره حداقل روی آن موافقت نشده بود. اختلاف در اینجا باقی ماند و درست نمی‌شد. بالاخره درست شد. یکی هم روی مالیات بود که در مالیات نوشته شده بود از مالیات معاف است. آنها از این بابت حاضر نبودند حتی یک قدم کوچک بردارند. بالاخره گویا تقریباً به دویست و بیست هزار لیره راضی کردم و این وقتی بود که نماینده کمپانی جک در تهران، در جلسه حضور نداشت. وقتی فریزر به او گفت، او خیلی اوقاتش تلخ شد. گفت شما گول خوردید، پنجاه هزار لیره هم از این بابت زیاد بود. فریزر پریشان شد، ولی گفت حرفی زده‌ام، دیگر نمی‌شود پس بگیرم... در آخر کار گفت عوضش به ما چه می‌دهید، ما که این همه گذشت کردیم. پیشنهاد کردند که مدت امتیاز زیاد بشود.

سرخ، س، ۱۱، ش ۱۹، ۲۲۷۶، ۲۲۷۷، ۱۳۱۱؛ لسانی، همان، صص ۱۷۱-۲۱۱؛ روزنامه اطلاعات، س ۷، شماره های ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱) vol 9, p 484

۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۱ش، کارت ۲۸، پرونده ۵۳/۸، ص ۱۹

۲. شیخ الاسلامی، جواد «خاطرات سرجان کدمن و داستان تجدید امتیاز نفت جنوب»، مجله آینده، س ۱۳، ش ۳-

۱، فروردین - خرداد ۱۳۶۶، ص ۷۰

3. iran political diaries(1881-1965) vol 9, p 485

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن/ سلمان قاسمیان- مصطفی ملایی

این صحبت‌ها در حدود ۱۹۳۰م بود. امتیاز اول شصت ساله بود؛ اگر تمدید نمی‌کردند و همانطور می‌ماند ۱۹۶۰ یا ۱۹۶۱ تمام می‌شد. گفتند شصت سال از آن تاریخ و این به ۱۹۹۰ می‌رسید. این پیشنهاد باعث نارضایتی شدید شد. خیلی نارضایتی، آخر هم تمام غوغاها از آن درآمد. ما گفتیم خیر، ما راضی نیستیم. به رضاشاه گفتیم او هم گفت خیر. این را فراموش نکنید، یک همچون چیزی نمی‌شود. گفت ما را مرخص بفرمائید، می‌رویم.»^۱ ادعای تقی‌زاده مبنی بر مطرح شدن موضوع تمدید مدت امتیاز داری در آخرین لحظات مذاکرات بین طرفین دعوی با استناد به نامه‌های خصوصی وی به تیمورتاش به هنگام سفارت در لندن مورد تردید است. تقی‌زاده در یک نامه خصوصی مورخه ۱۳۰۸/۷/۸ به تیمورتاش در مورد تجدید امتیاز نامه داری و درخواست از تقی‌زاده برای مشارکت در مذاکرات نفت، از سیاست استتار مقامات مسئول کشور اظهار گله‌مندی می‌کند که با وصف اینکه وزیر مختار و نماینده رسمی دولت ایران در لندن است، از کم و کیف مذاکرات که کدمن در تهران انجام می‌داده، بی‌خبر است و تا آن تاریخ، نه آقای میرزا عیسی‌خان و نه کمپانی نفت در باب تجدید یا تمدید امتیاز به او مراجعه نکرده‌اند و از طهران نیز در این باب مراسله یا تلگرافی دریافت نکرده، لهذا جز اطلاع اجمالی از کلیات مطلب یا آنچه گاهاً عیسی‌خان در ضمن صحبت اظهاراتی کرده‌اند که در تهران حاصل شده است. بنابراین دخالتی در کار نداشته و نمی‌تواند داشته باشد.

وی در ادامه می‌نویسد: اگر مقصود این است که این جانب رسماً در این کار داخل مذاکره شده و با کمپانی طرف مذاکرات بشوم، در آن صورت چون مذاکره از مجاری مختلف صورت دارد، باید مراجعه این کار به اینجانب رسماً به کمپانی و به این سفارت اشعار شود. تقی‌زاده که قبلاً در جریان مذاکرات قرار داشته، نظر خود را درباره تمدید امتیاز داری این چنین می‌نویسد: این جانب بر حسب تکلیف، سابقاً در کاغذ خصوصی به حضرت اشرف عالی عقیده خود را در اساس این کار عوض کردم و حالا نیز لازم می‌دانم تکرار کنم که به عقیده این جانب صلاح دولت در آن است که در صورت امکان فعلاً به تجدید امتیاز اقدام نفرمایید، چه زمان برای ما کار می‌کند و هر چه قوام داخلی و قدرت ایران بیشتر و اجل امتیاز نزدیک‌تر شود، مقاصد ایران بهتر پیشرفت خواهد کرد، ولی اگر به جهتی از جهات امکان تأخیر نباشد، البته آن وقت باید به قدر مقرر در تحصیل منافع برای ایران کوشید.^۲

تقی‌زاده در تلگراف دیگری مورخ ۱۹ آذر ۱۳۰۸ش/۱۰ دسامبر ۱۹۲۹م به تیمورتاش به هنگام سفارت لندن ضمن تکرار گفته‌های پیشین مبنی بر اینکه وی در جریان مذاکرات امتیاز نفت نبوده و آنچه اطلاع دارد یا به طور تصادفی از کسی شنیده یا اینکه از تلگراف‌های میرزا عیسی‌خان فیض به تهران بوده، در مورد تمدید قرارداد می‌نویسد: «هر کس که منابع نفت به مدت درازتری در دست داشته باشد و بتواند کمتر در بیاورد و گران‌تر بفروشد، گوی سبقت را ربوده است، لهذا کمپانی نفت علاقه‌مندی زیادی به تمدید مدت دارد و قیمت موافقت ما را در این باب نسبت به منظور او هم باید تابع قانون طبیعی اقتصاد عرضه و تقاضا

۱. تقی‌زاده، زندگی طوفانی، ص ۲۴۰-۲۳۹

۲. نفت در دوره رضا شاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیاز نامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، ص ۱۶۴-۱۶۲

باشد.^۱ طبق نامه‌های بیان شده، تقی زاده از چند سال قبل اطلاع داشته که شرکت نفت اهتمامش از تجدید قرارداد تمدید مدت قرارداد بوده است.

اما پس از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات در کنفرانس خبری که برگزار شد، سرجان کدمن ضمن تعرض به شاه به او می‌گوید هیچ شرکت نفتی بر پایه درخواست‌های ایرانیان نمی‌تواند از حوزه‌های نفت بهره‌برداری کند. شاه در پاسخ، رفتن زود هنگام نمایندگان را به شوخی گرفت و مطابق پیشنهاد سرجان کدمن، شخصاً در جلسه مذاکرات شرکت کرد.^۲

کدمن برای ادامه مذاکرات به دیدار شاه می‌رود. بنا به نوشته مصطفی فاتح، کدمن شرح ملاقات خود با شاه را چنین توصیف می‌کند: «شاه با نهایت مهربانی ما را پذیرفت و مثل اینکه هیچ اطلاعی از جریان مذاکرات ندارد. درباره پیشرفت مذاکرات استفسار کرد. من به او گفتم که پیشنهادهای نمایندگان دولت به اندازه‌ای سنگین است که شرکت نمی‌تواند آنها را بپذیرد و لذا مذاکرات قطع شده است. شاه بی‌نهایت اظهار تعجب کرده و گفت که خود او بین طرفین واسطه شده و توافقی ایجاد خواهد شد و دستور داد عصر همان روز، جلسه‌ای با حضور او تشکیل شود تا کار فیصله یابد.»^۳ بنا بر گزارش اسناد موجود، شاه پس از اطلاع از اوضاع مذاکرات مستبدانه، به وزرای خود دستور خاتمه مذاکرات را دادند، در صورتی که با ادامه مذاکرات توسط وزراء، وقت زیادی لازم بود تا مذاکرات به نتیجه برسد.^۴

از بزرگ‌ترین اشکالات کار هئیت نمایندگی دولت ایران - که سرجان کدمن در طول مذاکرات در تهران به آن پی برد - عدم قدرت تصمیم‌گیری وزرای کابینه بود، به طوری که وزرا احساس می‌کردند که اگر مستقلاً کار کنند و در جریان کار مرتکب اشتباهی گردند، به حقیقت سر خود را به باد داده‌اند. کدمن در شرح عدم استقلال رأی تقی‌زاده در مقام یک صاحب منصب حکومتی، می‌نویسد: «آشکار می‌شد دید تقی‌زاده هیچ مایل نیست اقدامی مستقل، بدون کسب اجازه قبلی از خود شاه انجام دهد.»^۵ کدمن در طول مذاکرات با نمایندگان ایران به این نتیجه می‌رسد که موفقیت مذاکرات در گرو آن است که مذاکرات زیر نظر مستقیم رضاشاه انجام شود.^۶ همین‌طور در گزارش یکی از اسناد موجود وزارت امور خارجه آمده است: «امروز شاه فرمانروای مطلق ایران می‌باشد و حتی مأمورین عالی مقام دولتی هم نمی‌توانند در مسائلی که می‌دانند مخالف عقیده اعلی‌حضرت است، اتخاذ تصمیمی بنمایند. مذاکرات نفت با خشونت بی‌اندازه و استبداد رأی نمایندگان ایران بی‌نتیجه ادامه داشت تا اینکه سرجان کدمن به شاه متوسل شد و اگر دخالت مستقیم

۱. همان، ص ۱۵۳؛ همچنین ر.ک: مکی، حسین، نفت و نطق مکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۲۱۵-۲۱۳

2. iran political diaries (1881-1965) vol 9, p 485

۳. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ش، کارتن ۳۱، پرونده ۵۳/۵، ص ۸۰

۴. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲ش، کارتن ۵/۵۳، پرونده ۳۱، ص ۷۳

۵. شیخ الاسلامی، «خاطرات سرجان کدمن و داستان تجدید امتیاز نفت جنوب»، همان، ص ۷۰

6. iran political diaries (1881-1965) vol 9, p 484

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن/ سلمان قاسمیان- مصطفی ملایی

شخص اعلی حضرت نبود، بدون شک مذاکرات بدون نتیجه پایان می‌یافت.^۱

کدمن در خاطراتش در شرح دیدار با شاه نیز به رفتار تحکم آمیز وی نسبت به وزیرانش و سلب اختیار از آنان اشاره کرده، می‌نویسد: «وقتی از کندی کار هیئت نمایندگی ایران در جریان مذاکرات و عدم اعلام خواسته‌های دولت ایران شکایت کردم، شاه از تأخیر وزیرانش در جریان مذاکرات، حالت عصبانیت پیدا کرده، با لحنی که به نظرم تا حدی پرخاش آمیز می‌رسید، با فروغی صحبت کرد.»^۲ وی همچنین می‌گوید: «فروغی و تقی‌زاده در جلسه حضور داشتند و شاه پرسید اختلاف بر سر چیست؟ پس از آنکه پیشنهادی طرفین گفته شد، وسط را گرفته، دستور داد که حق‌الامتیاز را به چهار شیلینگ در هر تن قطع نمایند. بعد من فوائد پیشنهاد بیست درصد عواید را شرح داده، تقاضای تمدید امتیاز را کردم. شاه خیلی ناراحت شد و نمی‌خواست آن را قبول کند، ولی من به او گفتم که بدون تمدید کار به انجام نخواهد رسید و بالاخره او قبول کرد.»^۳

قبل از توافق نهایی شاه و کدمن و امتناع شاه از پذیرش شرط کدمن مبنی بر تمدید مدت امتیاز، کدمن در حالی از حضور شاه مرخص شد که شاه را تهدید به ارجاع دوباره موضوع به جامعه ملل می‌کرد. تقی‌زاده در خاطراتش می‌نویسد که هر وقت مذاکرات طرفین به بن بست می‌کشید، مؤثرین حربه کدمن، همین بود که به شاه می‌گفت: «بسیار خوب، ما حرفی نداریم، پس مرخص بفرمائید که دوباره برگردیم به جامعه ملل و با همین تهدید، مقاومت شاه را در هم می‌شکست.»^۴ کدمن این نقطه ضعف رضاشاه، یعنی ترس او از بازگشت به جامعه ملل را دریافته بود و با استفاده از این نقطه ضعف توانست خواسته‌هایش را بر شاه ایران تحمیل نماید. وی در نامه‌ای از تهران به سر جان سیمون درباره ترس شاه از مراجعه مجدد موضوع به سازمان ملل می‌نویسد: «دعای قلبی من این است که موقع برگشت به لندن، قرارداد جدید نفت را با خود همراه بیاورم، زیرا احساس می‌کنم رضا شاه از احاله مجدد موضوع به سازمان ملل هراسان است و این ترس ملوکانه را باید ناشی از ضرب و شتم دانست که حکومت بریتانیا و وزیر خارجه ارجمندش، ماه گذشته در ژنو به هیئت نمایندگی ایران نشان دادید و آنها را متوجه ساختید که دریچه هر امیدی از این رهگذر (جامعه ملل) به رویشان بسته است.»^۵ علاوه بر این تهدید به قطع روابط، زیر سؤال بردن تداوم سلطنت خاندان پهلوی^۶ یا استفاده از کیسه‌های طلا برای تشویق شاه به این کار می‌توانسته مؤثر باشد.^۷ همچنین گفته می‌شد شاه ایران پی به این نکته برده که اقدام ایران تأثیر شدیدی در قضاوت بین‌المللی

۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲، کارت ۳۱، پرونده ۵۳/ ۵، ص ۷۹

۲. شیخ الاسلامی، «خاطرات سرجان کدمن و داستان تجدید امتیاز نفت جنوب»، همان، ص ۷۳

۳. فاتح، همان، ص ۳۰۱

۴. تقی زاده، زندگی طوفانی، ص ۲۴۱

۵. شیخ الاسلامی، جواد، «قضیه تمدید امتیاز نفت جنوب»، همان، ص ۲۴

۶. زرگر، همان، ص ۳۲۰

۷. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲ش، کارت ۳۱، پرونده ۵۳/ ۵، ص ۱۵۸ (سند شماره ۸)

نسبت ایران خواهد داشت، به علاوه قیمت سهام کمپانی کاهش یافته و با توجه به اهمیت این مسئله شاه تصمیم به مذاکرات جدید نموده است.^۱ بعد از آن جلسه تاریخی بین شاه و نمایندگان شرکت نفت در باب تمدید قرارداد، شاه پیشنهاد ایران را به سبب آشغال انداخت و در مقابل وزرای گیج شده‌اش از لزوم تعامل و نگرش گسترده در پیشبرد مذاکرات سخن گفت و تمام موارد ضروری شرکت را پذیرفت.^۲

تقی زاده پس از بیان تأثیر شدید خود نسبت به تصمیم شاه در پذیرش شرایط شرکت در خاطراتش می‌نویسد: «گفتم چه باید کرد. آدم نمی‌دانست. من گفتم نمی‌کنم. وزیر مالیه بودم، البته فرقی در امضاء کننده نبود. هیچ در آدمش یک ذره و به قدر خردلی فرق نمی‌کرد. هر کس را شاه می‌گفت، او امضاء می‌کرد. ما خیلی ناراضی شدیم. آخر یک شبی امضاء شد. قلم طلا حاضر کرده بودند. بعد آن را با کاغذی برای من فرستادند. من هم کاغذی نوشتم و قلم را فرستادم به رضا شاه و گفتم پیش خودتان باشد. در واقع معنی‌اش این بود که شما این کار را کرده‌اید، ولی او نفهمید. به من هم هی می‌گفت دلگیر نباشید، بد نشد. اما ناراضی بودم که چرا او یک مرتبه ... شد... پیش خودم می‌گفتم یک روزی از دست رضا شاه از ایران می‌روم و دیگر بر نمی‌گردم.»^۳

بدین ترتیب گفتگوهای کدمن با شاه در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۲ش/۸مه ۱۹۳۳م به امضای قرارداد ۱۹۳۳ انجامید که در ۷ خرداد ۱۳۱۲ش/۲۸مه ۱۹۳۳ به اتفاق آرا به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید. قرارداد در ۲۷ ماده تنظیم شد. در کلیات تفاوت چندانی با قرارداد داری نداشت. مهم‌ترین مواد امتیاز ۱۹۳۳ برداشتن حق غیر انحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه آن، کاهش حوزه عملیاتی کمپانی تا سال ۱۹۳۸ به یکصد هزار میل زمین به انتخاب کمپانی، در اختیار قراردادن مجانی زمین‌های مورد نیاز کمپانی از طرف دولت و در صورت داشتن مالک خصوصی خرید منصفانه آن از مالک، توسعه خط راه آهن، تلفن، تلگراف و بی‌سیم مورد نیاز کمپانی، عدم پرداخت حقوق گمرگی و مالیات، برخورداری از حق بررسی عملیات فنی در هر زمان به دولت ایران، حضور نماینده ایران با برخورداری از حق رأی در تمام جلسه‌های کمپانی، قراردادن یک دفتر فروش سهام در تهران، عدم تبدیل عواید فروش کمپانی به پول، مشخص بودن قیمت فروش نفت کمپانی به دولت ایران و روشن کردن چگونگی حل اختلاف میان دولت ایران و کمپانی بود. در این امتیاز هر چند حوزه عملیاتی کمپانی کاهش یافت، شرکت با گرفتن حق انتخاب این حوزه تا سال ۱۹۳۸م عملاً چیزی از دست نداد.^۴

بر اساس گزارش‌ها و اسناد موجود، این نتیجه مرهون مشارکت اعلی حضرت رضا شاه بود. رضا شاه

۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲ش، کارت ۳۱، پرونده ۵۳/۵، ص ۷۴ (سند شماره ۷)

2. iran political diaries(1881-1965) vol 9, p 485

۳. تقی زاده، زندگی طوفانی، صص ۲۴۱ و ۲۴۲-۲۴۱

۴. متن کامل قرارداد ۱۹۳۳، کتاب سفید، تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، صص ۱۲-۶؛ همچنین ر.ک: اسناد نفت، صص ۲۳-۱۰؛ مذاکرات دوره هشتم مجلس شورای ملی، جلسه ۱۶، ۲ خرداد ۱۳۱۲. نفت در دوره رضا شاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیاز نامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، صص ۴۳۲-۴۱۶ و ساتن، همان، صص ۴۳۷-۴۵۱

قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. و نحوه تنظیم آن/ سلمان قاسمیان- مصطفی ملایی

به عنوان شاهی مستبد و خود رأی، در رأس حکومت پهلوی و به عنوان تصمیم گیرنده نهایی در کلیه امور مملکتی، نظرات خود را اعمال می نمود. شاه در جریان مذاکرات نفت، لغو قرارداد داریسی و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳، چنانچه اشاره شد، با هر هدف و خواسته‌ای بود، بدون توجه به رأی وزرایش، نظرات خود را اعمال می کرد. وی نه تنها به رأی و نظر وزرا و نزدیکانش توجهی نمی کرد، بلکه در بسیاری از موارد، حق تصمیم گیری و اظهار نظر را از آنها می گرفت. اما تقی زاده ابتدا به عنوان سفیر ایران در لندن از جریان مذاکرات چهار ساله بین ایران و شرکت نفت - که نمایندگان اصلی مذاکره کننده تیمورتاش و کدمن بودند- مطلع بود و بعد در مرداد ۱۳۰۹ش/اوت ۱۹۳۰م در مقام وزیر دارایی ایران، پس از انفصال تیمورتاش در سوم دی ماه ۱۳۱۱ش نماینده ایران در این مذاکرات شد، اما چنان که ملاحظه شد و خود وی نیز بعدها در صحبت هایش در مجلس پانزدهم اشاره کرد، شاه پهلوی خواسته‌ای داشت که باید برآورده می شد؛ فرقی نمی کرد تقی زاده این خواسته شاه را برآورده می کرد یا شخص دیگری.

